



ناآرامی‌های بریتانیا، نتیجه سیاست‌های ضداجتماعی نولیبرالیسم

نزدیک به یک هفته در چند شهر بریتانیا خانه‌ها و اتومبیل‌ها به آتش کشیده شدند، جوانان به جنگ پلیس رفتند و مغازه‌ها غارت شدند. مفسر روزنامه آلمانی "نویس دویچلند" این ناآرامی‌ها را نتیجه سیاست ضداجتماعی نولیبرالیستی می‌داند.

جام جم آنلاین: نزدیک به یک هفته در چند شهر بریتانیا خانه‌ها و اتومبیل‌ها به آتش کشیده شدند، جوانان به جنگ پلیس رفتند و مغازه‌ها غارت شدند. مفسر روزنامه آلمانی "نویس دویچلند" این ناآرامی‌ها را نتیجه سیاست ضداجتماعی نولیبرالیستی می‌داند.

به گزارش دویچه وله، اوتس آنهالت، مفسر "نویس دویچلند" می‌نویسد: 171#&; برانگیزنده ناآرامی‌ها شلیک گلوله پلیس به سوی یک مرد جوان در محله تاتنهام لندن بود. یکی از 300 قتلی که از سال 1998 تاکنون به وسیله پلیس صورت گرفته و تاکنون هیچ پلیسی به‌خاطر آن محکوم نشده است.

ناآرامی‌های لندن و ناآرامی‌های دیگر

اوتس آنهالت، مفسر آلمانی به تفاوت ناآرامی‌های انگلستان با ناآرامی‌های کشورهای دیگر می‌پردازد و توضیح می‌دهد: 171#&; راحت است که خشونت در خیابان را غیرسیاسی و غارتگرانه بنامیم. به همین اندازه هم مسخره است که شورش در گتو را در سطح یک قیام اجتماعی ارج نهمیم. برخلاف اعتراضات اسپانیا، یونان، کشورهای عربی و کشورهای دیگر، این‌جا جوانان منتقد و تحصیلکرده نیستند که آینده آنان دزدیده شده و به این دلیل به جنگ پلیس می‌روند. تاتنهام بیش از این‌ها، عمق سیاست ضداجتماعی نولیبرالیستی را نشان می‌دهد: مرگ و میر کودکان، فقر و دوری از آموزشی که زاغه‌های برزیل و مانیل را تداعی می‌کنند. شورش‌های لندن، دارای آگاهی سیاسی نیست، اما بدون زمینه‌های سیاسی هم نیست.

اوتس آنهالت می‌نویسد: 171#&; سیاست نولیبرالی که دیکته می‌کند - یا پولدار شو یا در راه آن بمیر - در هیچیک از کشورهای اروپایی به قاطعیت بریتانیا اعمال نمی‌شود. به ندرت کشوری هست که نابرابری درآمد در آن به اندازه بریتانیا باشد. حکومت و همراه با آن جامعه، در زمینه خدمات اجتماعی هیچ چیز به محله‌ها نمی‌دهند. شورش در محله‌هایی اتفاق افتاده که ساکنان آن امکان سهم شدن در تملک دارایی‌های دیگران را، از طریق صندوق‌های بیمه و بانک‌های سرمایه‌گذاری و مراکز مشابه ندارند.

محله‌ای در خلاء مطلق

اوتس آنهالت، وضعیت اجتماعی تاتنهام را چنین تشریح می‌کند: 171#&; در تاتنهام، به جای مددکاری اجتماعی و سیاست اجتماعی دولتی، خلاء مطلق حاکم است. باندهای جوانان، نقش ناظمان را به عهده دارند. تکنیک‌های زنده ماندن، مثل قاچاق مواد مخدر و بازار سیاه، جای چشم‌اندازهای دزدیده شده را گرفته است. جوانان سیاست ضداجتماعی نظم نولیبرالی را به طور مستقیم به اجرا می‌گذارند و فروشگاه‌ها را غارت می‌کنند. این، دارای یک محرک پیشرفته اجتماعی نیست. مسئله نه بر سر یک شورش چپ سوسیالیستی بلکه بر سر شکست یا بعضاً عدم وجود یک چشم‌انداز چپ است.

اوتس آنهالت شورش‌های اخیر با شورش سیاهان در لیورپول مقایسه می‌کند: 171#&; برخلاف قیام‌های پیشین سیاهان در لیورپول، شورش‌های اخیر دلایل نژادی نیز ندارند. لایه‌های زیرین "آفروبریتی"، در کنار هم اموال سفیدپوستان و مهاجران بالکان را غارت می‌کنند. اکنون قربانیان نولیبرالیسم ضربه‌های متقابل را، نه به گونه انقلاب سوسیالیستی، بلکه به مثابه "جنگ هستی" وارد می‌آورند: آن‌ها با غارت فروشگاه‌ها و توسل به خشونت، نادیده گرفتن موجودیت خود را به نمایش می‌گذارند که آفریده سیاست ضداجتماعی است. اینجا جایی برای رمانتیسم اجتماعی باقی نمی‌ماند، اما این یک واقعیت اجتماعی است.

ضرورت مقابله با نولیبرالیسم

نویسنده، در پایان تفسیر خود، واقعیات اجتماعی بریتانیا را با آمریکای لاتین مقایسه می‌کند و می‌نویسد: 171#&; ونزوئلا تحت حکومت هوگو چاوز مناقشه‌برانگیز است. اما این کشور نشان می‌دهد که دور باطل ترور و خون ناشی از قیام نفرین‌شدگان علیه لایه‌های کمتر فقیر، می‌تواند متوقف شود. در آمریکای لاتین، سنت هولناک خشونت‌هایی وجود دارد که در آن طردشدگان جامعه علیه لایه‌های پائینی طبقه متوسط به پا خاسته‌اند. در پی قتل‌های سال 1989 کاراکاس، قدرت الیگارشی‌ها محفوظ ماند. در ونزوئلا اتحادی میان بخش پیشرفته طبقه متوسط ایجاد شده بود که انسان‌ها را علیه نولیبرالیسم تجهیز می‌کرد.

نویسنده، مقابله با سیاست‌های نولیبرالیستی را راه نجات می‌داند و تفسیر خود را چنین به پایان می‌برد: #171در بریتانیا و آلمان هم، سازمان‌های اجتماعی هستند که می‌توانند انسان‌ها را در برابر سیاست‌های ضداجتماعی نولیبرالیستی تجهیز کنند. این نیازمند کار آموزشی است. باندها و دسته‌ها در تاتنهام، به‌خاطر یک تلفن همراه هم به سوی یکدیگر شلیک می‌کنند. اما آن‌ها نیازی به تلفن همراه یا اسلحه ندارند بلکه آموزش می‌خواهند. آن‌ها پیش از همه نیازمند جامعه‌ای هستند که به مفهوم واقعی یک جامعه باشد و جوانان را تنها نگذارد.»